

اولین جزوه از مجموعه جزوات گفتمان انقلاب اسلامی

# تعریف و تبیین شاخصه های گفتمان انقلاب اسلامی

سازمان بسیج دانشجویی

موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی و فرهنگی روشنگر



# نِسْرَه



عنوان: پیستی و شاففه های گفتمان انقلاب اسلامی

استاد راهنما: احسان فسروهردی

تهیه و تنظیم: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی و فرهنگی روشنگر

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۵

وبگاه: [www.mo-roshangar.blog.ir](http://www.mo-roshangar.blog.ir)

رایان نامه: [mo.roshangar@gmail.com](mailto:mo.roshangar@gmail.com)

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۶۳۵۵۹

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بن بست امین،

پلاک ۱۰، طبقه ۴

## فهرست

۲	.....مقدمه
۷	بخش اول: چرا شرایط فعلی مهم است؟
۹	.....وضعیت داخلی
۱۰	.....فضای روشنفکران انقلاب اسلامی
۱۰	.....وضعیت گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام
۱۱	.....تحولات علوم، رسانه‌ها و تکنولوژی
۱۱	.....نیاز به تعامل با متحدین انقلاب اسلامی
۱۳	بخش دوم: چستی گفتمان انقلاب اسلامی
۲۰	بخش سوم: مقایسه مبانی فکری گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غیر انقلابی
۲۵	.....نتایج و تاثیرات گفتمان انقلابی و غیر انقلابی
۲۸	بخش چهارم: شاخصه‌های جریان انقلابی در بیانات مقام معظم رهبری

## مقدمه

امام فامنه ای (مفظه الله) ۱۳۹۵/۰۳/۰۳: من به شما عرض بکنم که مردم -چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آثار مردم- باید به دولت کمک کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البته فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند به اینها؛ این کمک لازم است و جدیت مسئولین بخصوص قوه‌ی مهربه هم لازم است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم، عرض کردیم که این جریان، جریان انقلابی است و هم سرعت فواید داشت، هم موفقیت فواید داشت. ما در هرهایی که کار انقلابی کردیم، اینها را داریم. بینید! کاری که شهردای هسته‌ای ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حساس است پیشاهنگش بود، کاری که شهید طهرانی مقدم پیشاهنگش بود، کاری که شهید کاظمی در زمینه‌ی سئول‌های بنیادی پیشاهنگش بود، کارهای بسیار بزرگی است. در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] مرموم سلمشور -که اینها پیشروان کار انقلابی در این کشورند- اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی داشت. کار انقلابی این است. اینکه من بارها تکرار میکنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللهی را باید گرامی برداریم و باید تکه برداریم، به خاطر این است؛ کار وقتی با رویه‌ی انقلابی شد، پیشرفت فواید کرد<sup>۱</sup>.

امام فامنه ای (مفظه الله) ۱۳۹۵/۰۷/۲۸: [راه برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیات که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، مترین، دارای ابتکار، پیش‌گام، فودباور، غیور؛ -البته فوشبقتانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، فودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم

<sup>۱</sup> بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعْرِ اللَّهَ جُمُومًا»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موهور انقلابی؛ معنای انقلابی این است. بعضی‌ها از روی دشمنی، انقلابی را بد معنا میکنند. انقلابی را به معنای بی‌سواد، بی‌توجه، بی‌انضباط [میدانند]؛ نفیر، اتفاقاً درست بعکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدبیر، دارای حرکت، دارای عقل، فردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این‌پوری هستند. شماها موتور محرکید. اگر شما فوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهت که عرض کردم، حرکت فواید کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت می‌دهم و وجود آنها را قدر میدانم اینها است. نخبه ارزش دارد.<sup>۲</sup>

در سخنرانی‌های چند ساله گذشته مقام معظم رهبری آنچه بیش از همه بر آن تاکید شده است گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تا در مجموعه جزوات گفتمان انقلاب اسلامی، ضمن تبیین گفتمان انقلابی و گفتمان غیر انقلابی و معین نمودن تمایزات این دو در پی ارائه ساختار کلانی از همه‌ی اجزا و ارکان اصلی گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری بوده و ان شاءالله سعی بر آن داریم تا سطوح مختلف آن را بر اساس فرمایشات معظم له تبیین نموده و در قالب جزوات متعدد ارائه نماییم. (ساختار کلی گفتمان انقلاب اسلامی را در «نمودار الف» مشاهده می‌فرمایید).

در نوشتار پیش رو به عنوان اولین جزوه از مجموعه جزوات گفتمان انقلاب اسلامی، بحث در سه بخش ارائه می‌گردد:

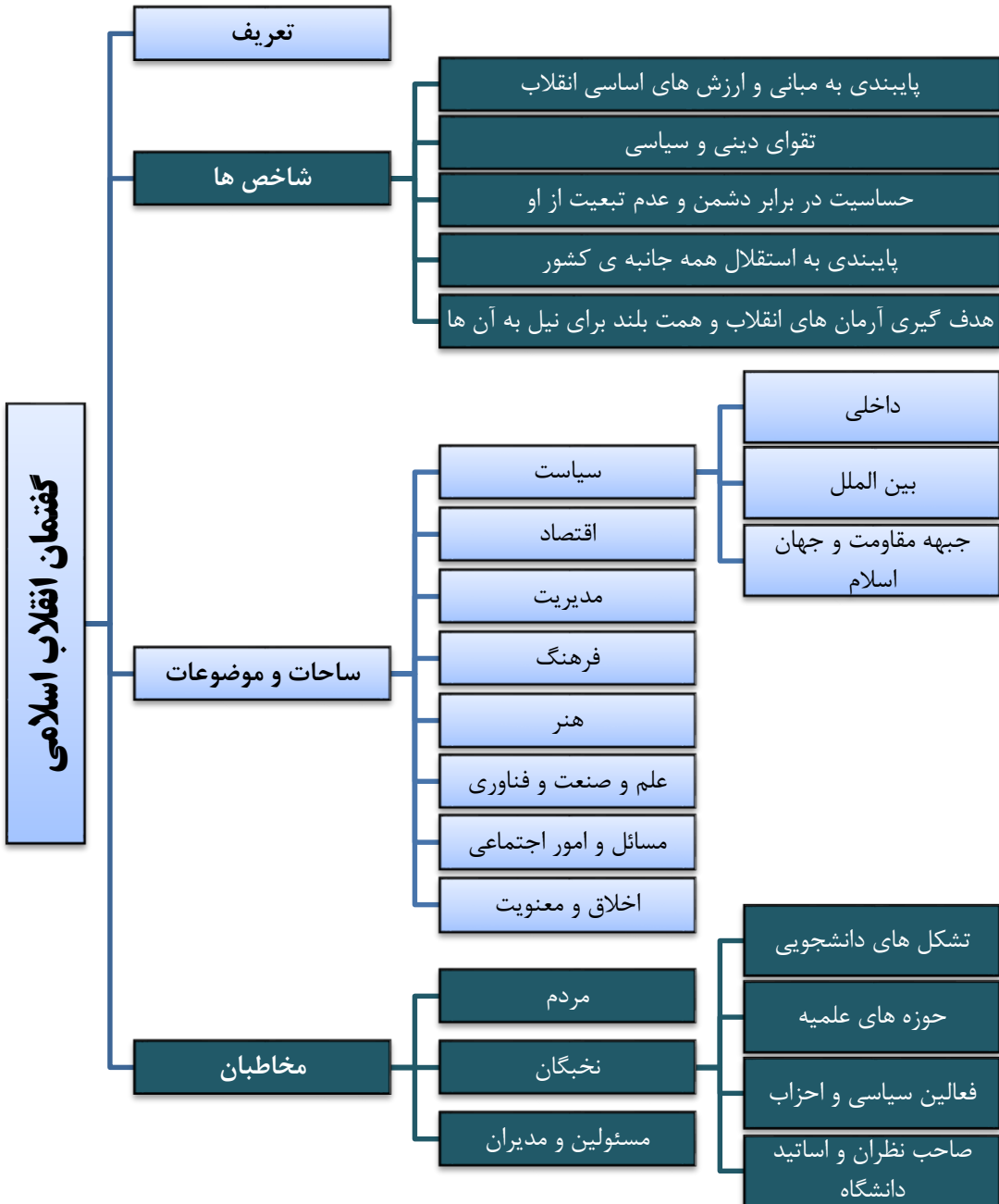
(۱) اهمیت شرایط امروز ایران اسلامی و جهان

(۲) تعریف گفتمان انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن

(۳) شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی

نمودار کلی مطالب ارائه شده در این نوشتار را نیز می‌توانید در «نمودار ب» مشاهده نمایید.

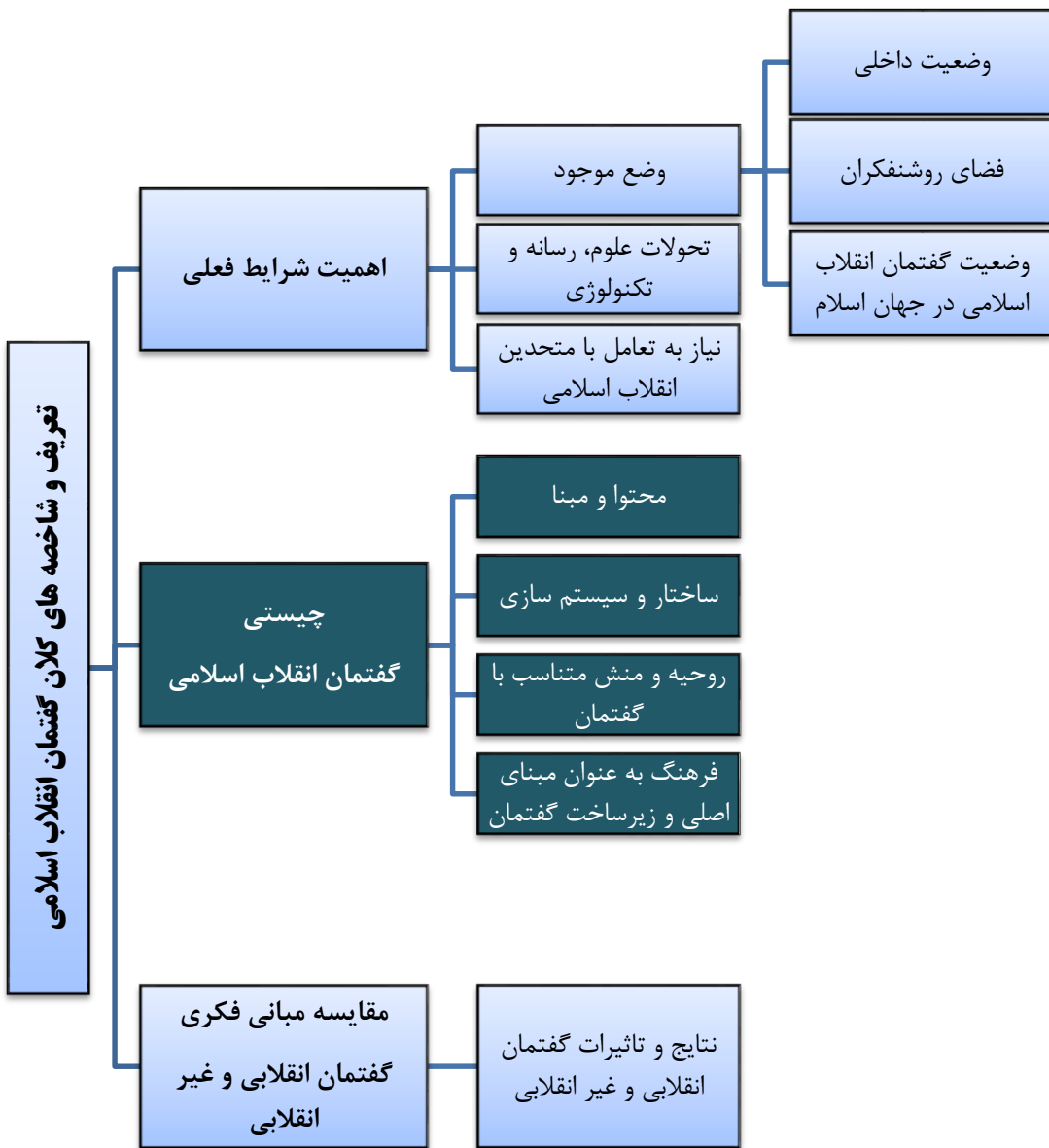
ان شالله بتوانیم گامی کوچک در راه تبیین گفتمان انقلاب اسلامی برداریم تا بتوان هر چند اندک سهمی در تحقق ظهور امام عصر (ارواحنا له الفداه) داشته باشیم.



«نمودار الف»

ساختار کلان گفتمان انقلاب اسلامی





«نمودار ب»

مباحث ارائه شده، تحت عنوان تعریف و شاخصه‌های کلان گفتمان انقلاب اسلامی

## بخش اول

چرا شرایط فعلی مهم است؟

امروز برای فهم گفتمان انقلاب اسلامی و انجام دقیق وظیفه خود نیاز است شناخت صحیحی نسبت به وضعیت انقلاب اسلامی در جهان داشته باشیم.

اگر به گذشته بنگریم در سال ۱۳۶۷ نیز امام خمینی(ره) در تقسیم‌بندی مشابه با آنچه امروز رهبر انقلاب می‌فرماید جریانات وقت را به دو دسته اسلام ناب محمدی(ص) و اسلام آمریکایی تقسیم نمودند در آن سال‌ها نیز امام(ره) دغدغه‌شان این بود که جریان نفاق بتواند درون پوسته اسلام خود را باز تولید کند. متأسفانه امروز این جریان نفاق بامهارت بیشتر، علمی‌تر، بعضاً با زبان مردمی و چراغ خاموش سعی بر انجام این کار دارد. برای اثبات این قضیه نیاز به اخبار محرمانه‌ای نیست بلکه با کمی دقت در شواهد ظاهری موجود این قضیه را می‌توان درک کرد.

اگر سال ۶۷ و عملکرد امام(ره) در مقابل اسلام آمریکایی را بازخوانی کنیم، متوجه خواهیم شد این جریان امروز همچنان با همان ویژگی‌هایی که امام(ره) می‌فرمودند در حال فعالیت است. یعنی همان محافظه‌کاری، نفاق، غیرانقلابی و لیبرال مسلک. این گروه امروزه از اسلام، انقلاب اسلامی، امام و اهداف امام یک بازخوانی جدید دارند. این افراد در دهه‌ی چهارم انقلاب به نحوی اسلام را باز تعریف می‌کنند که با اسلام نابی که امام(ره) تبیین نمودند بسیار متفاوت است؛ علاوه بر این بدیل‌های اسلام انقلابی را نیز تولید و جایگزین می‌کنند. مثال این مدعا اسلام عرفانی است که در جامعه ما تولید شده است یا اسلام سکولاری که در حوزه‌های مختلف بسیار بسط داده شده و جلو آمده است.

اما اسلام انقلابی در مقابل این‌هاست. تهاجم فرهنگی که رهبری در دهه‌ی ۷۰ بیان داشتند امروز برآیندش با بسیاری از جریانات دیگر به یک گفتمان عظیمی در مقابل انقلاب اسلامی تبدیل شده است که رهبری از آن به گفتمان غیرانقلابی یاد می‌کنند. لذا بسیار لازم است که ما بتوانیم در بخش‌های مختلف حرف و نگاه انقلاب اسلامی را در مقابل این گفتمان بیان کرده و از آن دفاع کنیم. خلاصه به تعبیر دیگری کلام آنکه اصل گفتمان انقلاب اسلامی امروز در حال تحریف است.

برای آنکه وظیفه خود را در مقابل این گفتمان به خوبی متوجه شوید تصور کنید انقلاب اسلامی همچون سیمرغی باشد که در حال اوج گرفتن و پرواز است هر چه این سیمرغ بلندپروازی می‌کند

طبیعتاً نیازمند خوراک و تغذیه بیشتر و افقی برای پرواز متناسب با شرایط جدید است. و عجیب آنکه، این بلندپروازی امروز پاشنه آشیل گفتمان انقلاب اسلامی شده است چون قوتی به فراخور پرواز و گستره‌ی این سیمرغ فراهم نیست، اوج گرفتن او باعث کم شدن قوت و نفوذ بصری و مشکل در پروازش می‌شود زیرا که تئوری و دانش متناسب با پیشرفت‌های کنونی انقلاب تولید نگردیده است و حفره‌های باز بسیاری وجود دارد که افراد متخصص و متعهد نتوانسته‌اند این حفره‌ها را پر کنند لذا افراد غیرانقلابی این حفره‌ها را پر کرده و می‌کنند. جنبش نرم‌افزاری و تولید علوم انسانی که رهبری چندین سال پیش بیان فرمودند در همین راستا است که متأسفانه مغفول ماند.

با توجه به شدت رشد و پیشرفتی که انقلاب اسلامی دارد نیاز است برای آن گفتمان سازی شود. متأسفانه در حوزه‌های بسیاری این گفتمان سازی صورت نگرفته است و تنها کلیاتی داریم که همواره همان‌ها را بیان می‌کنیم. در حالی که باید بتوانیم این کلیات را به موارد جزئی و ریز تقسیم کرده و برای جزء جزء مشکلات جامعه برنامه‌ریزی کنیم.

## وضعیت داخلی

یکی دیگر از مسائلی که ضرورت طرح گفتمان انقلاب اسلامی را در این بازه از زمان مشخص می‌کند وضعیت داخلی کشور است. بعد از انقلاب با مدل‌های توسعه مواجه شده‌ایم که به دلیل مناسب نبودن این مدل‌ها در بسیاری از نقاط موجب ویرانی کشور گردیده و سیاست‌ها و برنامه‌هایی اجرا شده است که شاید در کوتاه مدت جواب گرفته‌ایم اما در بلند مدت آسیب‌های بسیاری به ما وارد ساخته است.

لذا اوضاع داخلی، فساد موجود، فاصله زیاد بین مردم و مسئولین از نظر فکری و اجرایی، دید منفی مردم نسبت به مسئولین و... جز با یک جهاد بزرگ از سوی مجاهدین و انقلابیون قابل حل نیست. برای حل مشکلات روحیه انقلابی و جهادی نیاز است و این روحیه نیز بدون پرداختن به گفتمان انقلابی اسلامی به وجود نخواهد آمد.

## فضای روشنفکران انقلاب اسلامی

بُعد دیگر ضرورت تبیین گفتمان انقلابی فضای روشنفکری کشور است. فضای روشنفکری ما امروز نسبت به اهداف و آرمان‌هایش پر قدرت فعالیت می‌کند اما از آن جا که مانند دهه‌ی هفتاد در بسیاری جاها واضح و بی‌حال عمل نمی‌کند کسی نمی‌بیند و واکنشی نشان نمی‌دهد. امروز اولویت جامعه روشنفکری آموزش نیست بلکه تربیت است و ما از این غافل مانده‌ایم. روشنفکران امروز مانند سابق نیستند که ده جلسه سخنرانی کنند تا مبحثی را یاد بدهند بلکه به فکر پرورش نیرو هستند و در آینده ناگهان خواهیم دید بخش عمده‌ای از نخبگان و هیئت علمی دانشگاه‌ها هم جهت با انقلاب اسلامی نیستند. متأسفانه بخشی از حوزه ما نیز تحت تأثیر قرار گرفته است که مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون نیز اشاره کردند که حوزه‌ها و حوزویان باید روحیه انقلابی داشته باشند.

## وضعیت گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام

در جهان اسلام ما چه وضعیتی داریم؟ متأسفانه آغشته به خون بودن جهان اسلام و خشونت‌های تکفیری مانع شده است ما زیبایی‌های جریان‌های جهان اسلام را ببینیم.

همسر شهید چمران می‌گوید: ((روزی شهید چمران از کار جنگ بسیار خسته بود دیدم در میان گردابی از خون و خاک، خستگی و جراحت‌های روحی مختلف به غروب خورشید نگاه می‌کند و می‌گوید چقدر این غروب زیباست.)) برخی مانند شهید چمران این هنر را دارند که در اوج سختی‌ها و گرد و خاک‌ها با بصیرت زیبایی‌ها را ببینند، اما برخی نیز در بطن مسائل غرق می‌شوند.

جریان‌های جهان اسلام امروز در بسیاری از نقاط به نفع گفتمان انقلاب اسلامی است اما متأسفانه گاهی جریان‌های تکفیری نمی‌گذارند ما این جریان‌ها را خوب ببینیم. ظرفیت‌های بسیاری در جهان اسلام امثال شیخ زکزاکی‌ها، تحولات در یمن و... وجود دارد که ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم ولی بسیاری از ما حتی از شناخت آن‌ها هم غافلیم. برای مثال یکی از اساتید هیئت علمی

دانشگاه پاکستان متقاضی این بود کتابی با نگاه امام به وی داده شود تا در دانشگاه تدریس کند. یا در ترکیه برخی افراد بوده‌اند که گفته‌اند بیایید در جایی برای ما با فهم خود از انقلاب اسلامی در خصوص برخی موضوعات سخنرانی کنید. بچه‌های یمن امروز از ما کتاب درباره تعلیم و تربیت اسلامی می‌خواهند. اما چه داریم که به آن‌ها بدهیم؟ این‌ها مواردی است که امروز جهان اسلام با آن مواجه شده است و از ما مطالبه می‌کند.

جامعه‌شناسان می‌گویند اینکه عمل و اقدام یک گفتمان از تئوری آن جلوتر باشد وضعیت خوبی نیست. امروز انقلاب اسلامی در عمل از تئوری جلوتر رفته است و این نشان می‌دهد یا گفتمان ناکارآمد است یا این گفتمان توسط نخبگان تغذیه نمی‌شود.<sup>۳</sup>

### تحولات علوم، رسانه‌ها و تکنولوژی

یکی دیگر از مسائل تحولات علوم، رسانه‌ها و تکنولوژی است که باعث شده است فاصله‌ی بین مردم و فرهنگ‌ها کم بشود. رشد و وسعت رسانه‌ها امروزه این امکان را به مردم می‌دهد که داشته‌های خودشان را با فرهنگ‌های دیگر در جهان مقایسه کنند و اگر جای خالی در فرهنگ خودشان دیدند آن را با فرهنگ دیگران پر کنند اگر گفتمان انقلاب اسلامی نتواند امروز خلأها را پر کند ما در عرصه زندگی عمومی و سبک زندگی خواهیم باخت و سبک زندگی اسلامی جای خود را به سبک زندگی غربی خواهد داد.

### نیاز به تعامل با متحدین انقلاب اسلامی

مسئله دیگر مربوط به تعامل با جبهه‌ی متحدین انقلاب اسلامی است. امروز برخی کشورها می‌خواهند متحد استراتژیک یا تاکتیکی انقلاب اسلامی شوند. خب ما چه طرحی در گفتمانمان داریم که بتوانیم با توجه به آن پایه‌ریزی چنین اتحادی را کنیم.

<sup>۳</sup> متأسفانه ما کار نمی‌کنیم، ما امروز حتی تفاوت‌های قاره اروپا با آفریقا را نمی‌دانیم، روحیه ما اداری شده است حتی کتاب هم دیگر نمی‌خوانیم. بسیار جای تأسف دارد وقتی می‌بینیم بچه‌های حزب اللهی داخل کشور از جوانان جبهه‌ی مقاومت عقب‌تر هستند.

آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و اعلام امپراطوری سریعاً شروع به تولید در حوزه علوم انسانی کرد با این رویکرد که روابط سایر کشورها با کدخدا چگونه باید باشد. یا در زمان جنگ سرد هر ابر قدرت در عرصه‌های مختلف توسط گفتمان خود نظریه‌پردازی و شبکه‌سازی کرده بود یعنی نحوه تعاملشان با هر کشور و هر منطقه کاملاً مشخص بود. اما امروز آیا درد روشنفکر و دانشجوی ما این موضوعات است؟ اصلاً به این چیزها فکر می‌کند؟ اگر گفتمان انقلاب اسلامی تبیین شد دیگر فکر و دغدغه دانشجوی این‌ها می‌شود چرا چون گفتمانش به آن نیاز دارد.

امروز برای سؤالات بسیاری که وجود دارد نیاز به مفهوم‌سازی و بعد، معنا سازی داریم تا ابهامات مردم نیز حل شود. هنوز که هنوز است برای برخی مردم سؤال است که چرا باید به فلسطین کمک کنیم. حال اگر فردا روزی یک کشور مظلومی که مسلمان هم نبود و عمق استراتژیک ما بود که به آن کمک کنیم آن وقت چه حرفی در مقابل این رخداد باید زد و چه داریم که به مردم بگوییم.

ما امروز نیاز به گفتمانی داریم که بر اساس عقلانیت و نه احساسات و تصمیمات عجولانه، سیل آسا باشد و بتواند موج عظیمی را به وجود آورد. گفتمان انقلابی این پتانسیل را دارد زیرا که قله و غایت نهایی این گفتمان "تمدن اسلامی" است که بسیار گسترده می‌باشد.

## بخش دوم

تعریف گفتمان انقلاب اسلامی



در این بخش، چستی گفتمان انقلاب اسلامی را در چهار مورد بیان می‌کنیم:

### الف) محتوا و مبنا که اساس گفتمان است.

مبانی این گفتمان همان معیارهایی است که حضرت امام در باب اسلام ناب گفته‌اند و رهبری نیز این مبنایی را با عناوین دیگری نظیر خط امام، هندسه انقلاب، مراحل تمدن سازی و... به صورت هنرمندانه بازگو کرده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاشهایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود. (۱۳۶۸/۱۱/۱۳)

۲. پیام انقلاب ما این بود که قدرتهای مادی، از مقابله‌ی با ارزشهای معنوی و حرکت و اراده‌ی انسانها عاجزند. (۱۳۶۹/۱۱/۱۷)

۳. ما در اصل، انقلابمان را بر پایه‌ی شکست سیطره‌ی زورگوهای دنیا پایه‌گذاری کرده‌ایم. (۱۳۶۸/۰۴/۰۵)

۴. هدف اصلی ما سازندگی مردم به شکلی است که اسلام و انقلاب می‌خواهند. (۱۳۷۰/۱۱/۰۷)

۵. انقلاب برای این است که جامعه را عوض کند و عوض کردن جامعه برای این است که اخلاق انسانها عوض شود و انسانها به خوبی تربیت شوند. (۱۳۷۲/۰۴/۲۳)

۶. ملت ما برای خدا و فضیلت و معنویت قیام کرده است، نه برای زرق و برق مادی. (۱۳۷۲/۰۷/۰۷)

۷. هدف انقلاب در درجه‌ی اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. (۱۳۷۴/۰۳/۱۴)

۸. انقلاب حرف نویی زد و آن، حکومت اسلامی بود. این حرف نو، همیشه هم نو نمی‌ماند؛ این را ما باید قبول کنیم. ممکن است از اول نقصهایی داشته باشد؛ ممکن است در خلال، دچار ضعفها و نقصها و کج‌فهمیهایی شود؛ در این تردیدی نیست. فکرهای صحیح و قوی باید به‌طور دائم کار کنند و این حرف نو را در جهت خود تکمیل نمایند و بدون این که به پایه آن ضربه‌ای بزنند و اساس آن را نفی کنند، نواقص آن را به‌طور مرتب برطرف سازند؛ یعنی بلاشک نوآوری لازم است. چیزی که ظرافت کار شما را

مضعف میکند و قبلاً به آن اشاره کردم، این است که باید توجه کرد در این نوآوریها، تلقین‌پذیری از فرهنگ بیگانه - همان فرهنگی که در صدد سلطه است - نقش نداشته باشد. امروز خرجهایی میشود برای این که تفکر حکومت غربی - به معنای اروپایی آن - در دنیا جهانگیر و همه‌گیر شود. دروغ میگویند؛ با فیلم و تبلیغات و روشهای گوناگون، چیزهایی را که حقیقت نیست، برای بزرگنمایی و زیبانمایی و ظاهرسازی، به عنوان حقیقت در دنیا منعکس میکنند تا افکار را جذب کنند. مؤثرترین کاری که مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی میتوانند بکنند، همین است. اینها در ذهنهای ما هم منعکس میشود؛ ولی ما باید توجه کنیم تأثیرپذیری نداشته باشیم.

اول انقلاب، کلمات دمکراسی و دمکراتیک و امثال آن، در زبان همه خیلی تکرار میشد. حاج احمدآقا پیغام آورد که امام میگویند این کلمات را نگویند. قبل از آمدن امام گاهی گفته شده بود «جمهوری دمکراتیک اسلامی»؛ اما امام روی همان «جمهوری اسلامی» تأکید داشتند. شاید بعضیها تعجب میکردند که کلمه دمکراتیک این قدر حساسیت ندارد؛ ولی این حساسیت، درست و بجا بود؛ به خاطر این که نفس کلمه بیگانه با خودش یکبار فرهنگی می‌آورد؛ نشان‌دهنده یک احساس است و آن احساس در انسان بتدریج تقویت میشود. باید توجه کنید گرده‌برداریهایی که از فرهنگ و دمکراسی غربی و لیبرالیسم میشود، به این جا راه پیدا نکند. ممکن است در باطن و ذات ولایت فقیه چیزهایی از این قبیل وجود داشته باشد؛ خیلی خوب، اگر دارد، ما آن را درآوریم و کشف و تنقیح و اصلاح کنیم؛ اما چیزی از بیرون القاء و تحمیل نشود. به سیره خلافت و حکومت اسلامی در زندگی پیغمبر و امیرالمؤمنین و در بخشهای قابل قبول این حکومت نگاه کنیم؛ آن را بفهمیم و بر اساس آن کار کنیم. (۱۳۷۸/۱۱/۰۴)

۹. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست. (۱۳۸۱/۰۳/۱۴)

۱۰. ملت ایران راهی را انتخاب کرده و خواهد رفت؛ این راه، راه عزت و علم و ایمان و عزم است. (۱۳۸۴/۰۲/۱۴)

۱۱. ملت ایران به دنبال استقلال و به دنبال آرمانهای انقلاب اسلامی و به دنبال عزت ملی و اسلامی خود هست. (۱۳۸۴/۰۴/۰۷)

۱۲. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست. (۱۳۸۴/۰۵/۱۲)
۱۳. تشکیل جامعه‌ی عادلانه یک هدف است؛ اما این هدف، هدف میانه است. ما می‌خواهیم به جامعه‌ی عادلانه‌ی الهی، جامعه‌ی اسلامی، دست پیدا کنیم برای اینکه در سایه‌ی این نظام الهی بتوانیم خودمان را به تکامل برسانیم؛ خودمان را به نقطه‌ی امن و امان برسانیم. (۱۳۸۷/۰۳/۲۱)
۱۴. شعارهای انقلاب کهنه‌شدنی نیست؛ همیشه برای آحاد مردم تازه و جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین و عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت برای هیچ ملتی کهنه‌نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد. (۱۳۸۸/۰۶/۲۰)
۱۵. آن روزی که این انقلاب آغاز شد و این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزبهای دنیا نبود که به قصد کسب قدرت باشد؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. (۱۳۸۸/۱۱/۱۹)
۱۶. ما دنبال آن چیزی می‌رویم که قدرتهای سلطه‌گر حقیقتاً باید از آن بترسند، و من اعتقادم این است الان هم از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی در همه‌ی امت اسلام است. آنها این را بدانند که ما این کار را خواهیم کرد. (۱۳۸۸/۱۱/۳۰)
۱۷. قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان. (۱۳۸۹/۰۹/۱۰)
۱۸. انقلاب همچنان حرف اسلام را میزند، حرف انقلاب، استقلال، ایستادگی ملی، توسعه‌ی درون‌زای کشور و عدل را میزند و برای این اهداف بزرگ تلاش میکند و کار میکند؛ همه‌ی اینها مسائل انقلاب است. (۱۳۹۲/۱۲/۱۵)
۱۹. آنچه ما تصور میکنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدامها در نظر داشته باشد:

مؤلفه‌ی اول عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمانها مطلقاً نایستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد. (...)

مؤلفه‌ی دوم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف میرساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون؛ اینکه فرمود: *كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا*، (۱) این یک وظیفه است، این یک راهبرد کلی است. راهبرد تکیه‌ی به آراء مردم و آنچه که مردم‌سالاری را تشکیل میدهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها؛ کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی، و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد. (۱۳۹۲/۰۶/۱۴)

۲۰. راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدفها، هدفهای الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده‌ی الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت. (۱۳۹۲/۰۴/۰۵)

گاهی هم متناسب با بخش‌های کوچک‌تر معیارهایی را بیان نموده‌اند؛ برای مثال در حوزه سیاست می‌فرمایند:

۱. وقتی می‌خواهید تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی کنید باید نگاه جامع و کلان نسبت به وقایع داشته باشیم زیرا که اقتضای دنیای امروز پیچیدگی و تودرتو بودن اتفاقات و تحولات است.
۲. باید سه مؤلفه آرمانها، واقعیتها و راهبردها را در تصمیم‌گیری‌های خود دخیل کرد.
۳. جامع‌نگری در اندیشه و رفتار که معظم له، امام را به عنوان یک الگو کامل معرفی می‌کنند.

۴. استکبارستیزی و لزوم کلان‌نگری در مواجهه با جبهه‌ی دشمن؛ یعنی اولاً دشمن را یک جبهه‌ی بینیم و ثانیاً جزیره‌ای عمل نکنیم.

### ب) ساختار و سیستم‌سازی

ما در این گفتمان باید چارچوب‌های معنایی درست کنیم و ساختاری نگاه کنیم زیرا که رقیب ما که گفتمان‌ش، گفتمان توسعه است در هر چهار بخش غنی دارد. مهم‌ترین بحث که اتفاقاً نقطه ضعف بزرگ ما نیز هست همین تفکر سیستمی است. نکته قابل توجه این است که در گفتمان انقلاب اسلامی بر خلاف سایر گفتمان‌ها عمده ساختارها و سیستم‌ها بر پایه مردم شکل می‌گیرد.

### ج) روحیه و منش متناسب با این گفتمان<sup>۴</sup>

دو سؤال عمده در این مورد وجود دارد اولاً اینکه روحیه فعلی مردم ایران چیست؟ و ثانیاً اینکه روحیه مطلوب ما در گفتمان انقلابی چیست؟ این که مشخص شد باید روند تغییر از روحیه موجود به روحیه مطلوب نیز تبیین گردد.

آن‌هایی که برای ایران طراحی دارند هم از نقطه (الف) که امروز است گزارش می‌دهند هم از نقطه (ب) که مطلوب خودشان است گزارش می‌دهند و هم راجع به چطور پیمودن این راه حرف زده‌اند. برای مثال زوینس در خصوص ما ایرانی‌ها می‌گوید: ((ایرانی‌ها چهار ویژگی دارند بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، احساس عدم امنیت آشکار و سوء استفاده بین افراد)) یا گاستیل راجع به قشرهای مختلف و طبقه متوسط ایران می‌گوید: ((ایرانی‌ها معتقدند آدمیان تبعاً شرور و قدرت‌طلب هستند و معتقدند همه چیز در حال دگرگونی است و آدمی باید نسبت به اطرافیان خود بدبین و بی‌اعتماد باشد.)) و یا مک کلند می‌گوید: ((زمینه پیدایش این رفتار سیاسی در فرهنگ عامه است در پند و اندرزها در امثال و حکم در فرهنگ فولکلور ایرانیان، آنجایی که به روحیه

<sup>۴</sup> از این روحیه و منش به رفتار می‌رسیم.

رقابت و مشارکت و کنش تأکید نمی‌شود و موجب تقویت حس فردگرایی خودخواهانه شود و پرهیز از بیان نظریات شخصی به وجود می‌آید.)) این‌ها گزارش‌های آن‌ها از وضعیت موجود ما است. وضعیت مطلوب چیست؟ رسیدن به وضعیت مطلوب و شاخص‌ها و فاکتورهای این وضعیت مطلوب آن چیزی است که در گفتمان توسعه می‌آید.

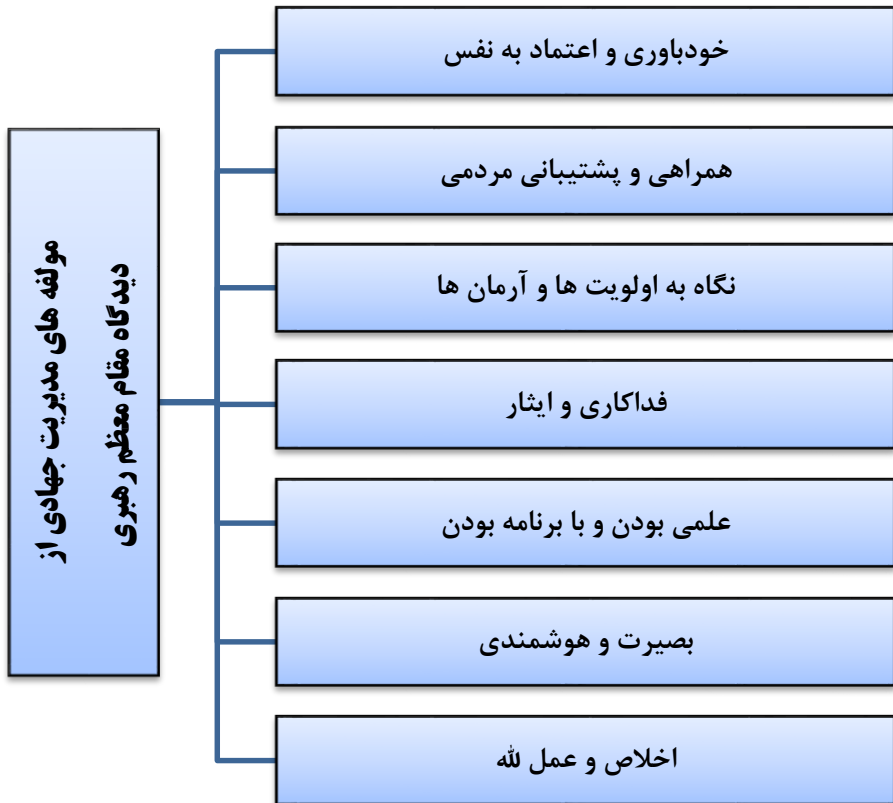
ما نیز به تبع باید از وضع موجود گزارش داشته باشیم و سپس نقطه ایده آل گفتمان را تعریف و برای رسیدن به آن استراتژی معین کنیم. اگر ما این کارها را نکردیم آن‌ها که طرح و برنامه دارند اجرا می‌کنند و موجب تغییر در فرهنگ روحیه و منش، رفتار و هویت ایرانی‌ها می‌شوند.

#### (د) فرهنگ

امروز مردم و فرهیختگان ما در حال تبدیل شدن به شهروندان جامعه توسعه‌یافته و ساکن در طبقه متوسط یک جامعه مدنی هستند و شهر و روستای ما مطابق با مدل توسعه تخریب و بازسازی می‌شوند. زیرا فرهنگ توسعه، فرهنگ مطلوب و آرمانی در مدل توسعه پایدار است و این فرهنگ همراه با عقلانیت و ساختار سیاسی و اقتصادی خاصی هم‌خوانی دارد که هدف توسعه پایدار، گسترش و گاه ایجاد همین فرهنگ توسعه است. در مقابل برای گفتمان انقلابی ماندن، فرهنگ انقلابی نیاز است تا فضا و بستری برای رشد سطوح دیگر فراهم کند و مجاهدانی را بپروراند تا گفتمان انقلابی در آن نهادینه شود. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی به وجود آورنده‌ی این فرهنگ، گسترش مدیریت و فرهنگ جهادی است تا به کمک آن بتوان به اهداف مهم و گاه سخت ولی ممکن انقلاب اسلامی رسید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص مفهوم مدیریت جهادی می‌فرماید: «اگر مدیریت جهادی و یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیزِ قدرتهای جهانی و در

شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.<sup>۵</sup> معظم له در جای دیگر می‌فرماید: «با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت. با حرکت عادی و احياناً خواب‌آلوده و بی حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد. یک همت جهادی لازم است. تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.»<sup>۶</sup>



<sup>۵</sup> بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۴

<sup>۶</sup> بیانات در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

### بخش سوم

مقایسه مبانی گفتمان انقلاب اسلامی و

گفتمان غیر انقلابی



در قالب جدول زیر مقایسه‌ای میان مبانی فکری گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان غیر انقلابی انجام شده است:

ردیف	گفتمان انقلاب اسلامی	گفتمان غیر انقلابی
۱	اسلام ناب محمدی(ص)	اسلام متحجرانه لیبرال (اسلام آمریکایی)
۲	انسان دینی، محور هستی	اصالت انسان اقتصادی (اومانیزم)
۳	اصالت خدا انسان خلیفه ا... همه هستی در خدمت اوست در حدود شریعت الهی	اصالت انسان خدا به حاشیه می رود و گاه حذف می‌شود.
۴	اصالت فرهنگ در جامعه سازی	اصالت اقتصاد در جامعه سازی (منافع طبقه خاص سرمایه دار و لابی) صهیونیستی)
۵	اصل دین است و خانواده و زندگی و تجدد و... در درون دین بازخوانی می‌شود	اصل مدرنیته غربی است و همه چیز از جمله دین به نسبت و همخوانی با آن قرائت می‌شود
۶	عقلانیت اسلامی بر خاسته از قرآن و سنت و سیره پیامبر و اهل بیت و علوم اسلامی (حکمت و مصلحت اسلامی)	عقلانیت سکولار
۷	تأثیر اراده انسان در سیر تاریخ و تأثیر وجود سنن الهی در مسیر تاریخ(تأثیر اراده انسانی و مشیت و سنن الهی در تاریخ)	عدم وجود دتمانین کلی و سیر در تاریخ و برنامه و طراحی و سناریو نویسی برای آینده تاریخ

<p>غالباً عدالت نقش اساسی ندارد و جایگزین آن رفاه برتر است و امنیت با قرائت لیبرالی</p>	<p>عدالت و معنویت در پیشرفت نقش اساسی دارد</p>	<p>۸</p>
<p>گفتمان توسعه متوازن پایدار گفتمان توسعه همه جانبه (عقلانیت ابزاری)</p>	<p>گفتمان پیشرفت اسلامی - ایرانی</p>	<p>۹</p>
<p>الگوی منطقه‌ای و بین‌المللی (ایران ملی گرا با حفظ منافع و تنش زدایی)</p>	<p>الگوی جهان اسلامی (امت واحده)</p>	<p>۱۰</p>
<p>حذف اردوگاه مخالف، ستیز تبدیل به رقابت می‌شود جایگزینی حق و باطل به ارزش‌های عموم بشری با قرائت (غالباً) لیبرالی (حقوق بشر، دموکراسی)</p>	<p>تقسیم اردوگاه جهانی به حق و باطل (جبهه استکبار و جبهه پیروان حق و مظلومان و مستضعفین)</p>	<p>۱۱</p>
<p>اخلاق و معنویت و عرفان سک‌لار جدای از دین یا دین از اخلاق به عرفانی فردی (شخصی)</p>	<p>اخلاق، معنویت و عرفان همراه با فرهنگ حماسی جهاد جامعه ساز</p>	<p>۱۲</p>
<p>سبک زندگی (عمدتاً) غربی</p>	<p>سبک زندگی اسلامی - ایرانی</p>	<p>۱۳</p>
<p>دین سکولار یا عرفانی شخصی - اخلاقی - عرفی</p>	<p>دین همه جانبه با قرائت و تفسیر امام و رهبری</p>	<p>۱۴</p>
<p>(غالباً) قائل به علم جهانی بدون هیچ تقسیم‌بندی هنجاری و ارزشی ناقد علوم سنتی (کلاسیک) و طرفدار شدید علوم مدرن</p>	<p>قائل به علم اسلامی و بومی ناقد سنت و علوم سنتی و طرفدار علوم دینی و علوم مدرن</p>	<p>۱۵</p>

۱۶	ولایت فقیه	دموکراسی دموکراسی + ولایت فقیه (شبه پاپی ، خلافتی)
۱۷	قائل به نقش اساسی مردم در همه زمینه‌ها	نخبه‌گرا
۱۸	نگاه به غرب: منتقدانه ، همراه حفظ عزت و استقلال و استکبارستیزی	همدلانه، خوش بینی افراطی، نقد حداقلی، رفتن به سمت سازش و هم بستگی حداکثری
۱۹	ترویج فرهنگ دینی (امر به معروف و نهی از منکر)	عدم دخالت دولت در حوزه فرهنگ عمومی و در حوزه قانونی و عدم اعتقاد به اینکه مردم را باید دولت به بهشت ببرد.
۲۰	دولت دینی برخاسته از فرهنگ و حاکمیت و مشروعیت و مقبولیت مردم	دولت دینی حداقلی دولت سکولار جدا از حوزه ی دین
۲۱	هدف واسط حکومت دینی : تأمین عدالت و معنویت در تأمین دنیای همراه با رفاه ، اخلاق و آزادی هدف حکومت و نظام: رسیدن به اهداف نهایی بشر رستگاری و قرب به خداوند	هدف واسط: رسیدن به واقعیت‌های گام بندی شده در مدل توسعه رستگاری: هدف شخصی هدف غایی: آرمانی و غیرقابل تحقق است.
۲۲	نگاه به طبیعت: عمران استفاده معقول با حد و حدود شرعی نگاه همدلانه و محترمانه	نگاه به طبیعت: تسلط حداکثری و سود حداکثری در خدمت منافع حداکثری گروه خاص
۲۳	اقتصاد مقاومتی، فرهنگ اسلامی- ایرانی	اقتصاد نئولیبرال، فرهنگ مدرنیته

## نتایج و تاثیرات گفتمان انقلابی و غیر انقلابی

ردیف	نتایج گفتمان انقلابی	نتایج گفتمان غیر انقلابی
۱	مبدأ و معاد هستی، هویت دهنده و تشخیص آفرین	رد و نفی مبدأ و معاد هستی و معلق بودن افراد
۲	رشد شخصیت و کرامت انسان‌ها	افسردگی
۳	ثبات و آرامش و استقرار فردی، خانوادگی، اجتماعی	عدم ثبات و هویت ماندگار در عرصه‌های مختلف
۴	شادابی، طراوت و انگیزه زیاد	لجام گسیختگی جنسی و فرهنگی
۵	ساده زیستی، قناعت	تجمل، اسراف، تبرج، حرص و ولع زیاد
۶	پرکاری و نفع شخصی حداقلی	نفع حداکثری و استثمار حداکثری از بقیه
۷	انسان دینی، مولد و مروج فرهنگ دینی	انسان اقتصادی، مولد و مروج و مصرف کننده فرهنگ مصرفی، اصالت مصرف، سکس

احساس تنهایی	رشد عقلانیت و تفکر دینی (همراهی عقلانیت اخلاق)	۸
- فرهنگ نفع شخصی حداکثری و به منافع - رسیدن به هر قیمتی طبق اخلاق لذت مدار - سودگروی	ترویج فرهنگ ایثار و اخلاق مداری	۹
- تبدیل مردم به فرد فرد تنها و منفرد - بحران معنا و هویت و افزایش خودگشی، - مصرف مواد مخدر، فساد و فحشا پرده دری، انزجا از خود و دیگران	تبدیل مردم به افراد امت با تعلقات شبکه ای و جهان اسلامی زندگی توحیدی معنوی همراه با فرهنگ شهادت (عشق و علاقه به خود خانواده و دیگران)	۱۰
- مرگ عشق و مهر ورزی - فرهنگ نفع صرف شخصی	فرهنگ تعاون، مساوات و عشق ورزی در تمام عرصه های زندگی	۱۱
بحران‌های فرقه ای، نژادی، دینی	همرنگی، همدلی، اتحاد (بین مذاهب، بین ادیان، بین فرقه ها و نژادها)	۱۲
- ساختار شکنی، عدم ثبات و استقرار فروریختن دائم ارزش ها - تزلزل و عدم هویت و شخصیت افراد	رسیدن به توسعه با ثبات و حفظ فرهنگ و ارزش ها	۱۳
- سکولار شدن بیش از پیش جامعه و افراد - جدا شدن انسان علمی از عرصه های معرفتی دیگر	تبعات علوم اسلامی : کمک به جامعه سازی، تمدن سازی و انسان سازی و تزکیه انسان‌ها	۱۴

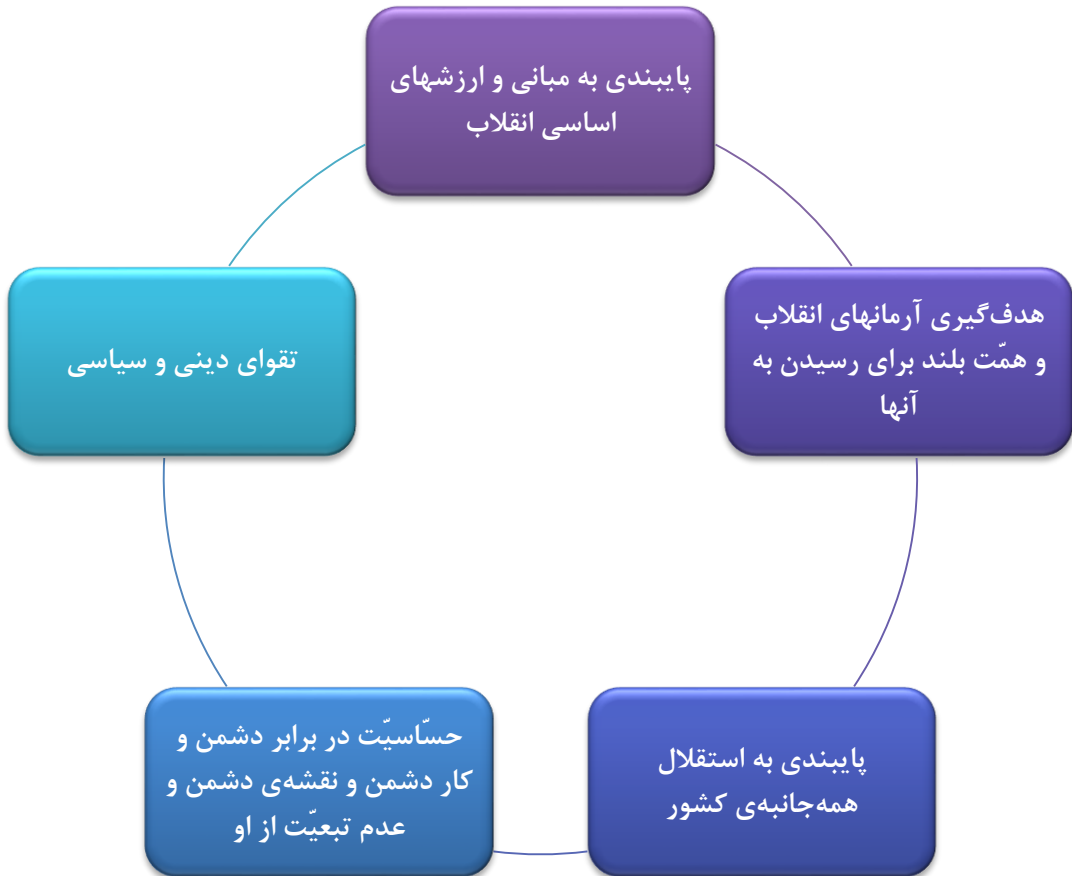
<p>نابودی و هدر رفتن استعدادهای طبیعی و بحرانهای محیط زیستی</p>	<p>حفظ طبیعت و رسمیت یافتن شرایط اقلیمی جغرافیایی</p>	<p>۱۵</p>
<p>تسلط صنعت و فضای خشک ماشینی</p>	<p>صنعت و فرهنگ و اخلاق در زندگی انسانی جامعه</p>	<p>۱۶</p>
<p>آزادی لجام گسیخته محدود در قراردادهای اجتماعی و امنیت دیگران</p>	<p>آزادی:          ✓ فردی - اجتماعی در سایه          دین          ✓ معنوی</p>	<p>۱۷</p>
<p>فرهنگ و دین و سیاست در خدمت نظام سرمایه داری جدای از اخلاق (فرهنگ و دین به کالای مصرفی تبدیل می‌شود)</p>	<p>سیاست، اقتصاد، جامعه سازی در خدمت فرهنگ و دین (رابطه دو طرفه است)</p>	<p>۱۸</p>
<p>نگاه بیطرفانه و منفعت خواه در همه ی عرصه ها</p>	<p>نگاه هنجاری - ارزشی - مکتبی در سیاست و فرهنگ جهانی</p>	<p>۱۹</p>

## بخش پنجم

شاخصه‌های جریان انقلابی در بیانات

مقام معظم رهبری

امام خامنه‌ای (حفظه الله) در بیست و هفتمین سالگرد فوت امام راحل (ره) شاخه‌های انقلابی گری را به صورت زیر معین فرمودند:





معظم له در ادامه فرمایشات گهر بار خود به توضیح این پنج شاخص پرداختند که در ادامه می‌آید:

«شاخص اول، پایبندی به ارزش‌های مبانی و اساسی اسلام است. مبانی اساسی ما این‌ها است. مبانی اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرت‌های مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند؛ یک جاهایی آن‌ها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آن‌ها را راهنمایی می‌کنند، یک جاهایی آن‌ها را کمک می‌کنند؛ اسلام ناب در مقابل آن‌ها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می‌شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین می‌کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می‌کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می‌کند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پابند بود.

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدف‌ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ این‌ها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

یکی از آن مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحراف‌ها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روش‌های گوناگون ما باید روزه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدم‌های خبره، به دست آدم‌های وارد، به دست انسان‌های اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛

نیمه سوادها و آدم‌های ناوارد و مدعی نمی‌توانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ این‌ها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد. حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. این‌ها ارزش‌های اساسی انقلاب است؛ از این‌ها نمی‌شود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.»

**شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ [است].** نقطه‌ی مقابل آن، تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی است. بعضی سعی می‌کنند جامعه را و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند «آقا فایده‌ای ندارد، نمی‌شود، نمی‌رسیم؛ چه جوری ممکن است با این همه مخالفت، با این همه دشمنی»؛ این نقطه‌ی مقابل آن شاخص دوم است. شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها. البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ [اما] این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه‌ی حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. بنده بارها تکرار کرده‌ام؛ جوان‌ها باید به سمت پیشرفت حرکت کنند؛ به سمت تحول مثبت حرکت کنند؛ اینکه ما به همان چیزی که داریم قانع بشویم - فرض کنید ما در زمینه‌ی علمی به یک پیشرفت‌هایی رسیده‌ایم که البته مورد قبول همه‌ی دنیا است؛ قبول دارند که ما پیشرفت کرده‌ایم - اگر به همین اندازه قانع شدیم، عقب خواهیم ماند؛ عقب خواهیم رفت؛ نه، راه پیشرفت تمام‌شدنی نیست؛ باید رفت تا رسید به آرمان‌های بلند.

**شاخص سوم پایبندی به استقلال است.** این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در همه‌ی این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.

معنایش این است که ما در زمینه‌ی سیاسی فریب نخوریم؛ دشمنی که هدفش این است که دولت‌ها و ملت‌ها را به دنبال خود بکشاند، به شیوه‌های مختلفی توسّل می‌جوید. این جور نیست که همیشه با تهدید حرف بزنند؛ نه، گاهی هم با تملّق حرف می‌زنند؛ گاهی به انسان نامه می‌نویسند که شما بیایید - با ما که آمریکا هستیم - مسائل جهانی را با مشارکت یکدیگر حل کنیم؛ در این قالب با انسان حرف می‌زنند؛ انسان در اینجا ممکن است دچار وسوسه بشود که برویم با یک ابرقدرتی در حل مسائل بین‌المللی همکاری کنیم؛ در ادبیات نامه‌نگاری رسمی دیپلماتیک، این جوری حرف زده می‌شود اما باطن قضیه این نیست؛ باطن قضیه این است که او یک نقشه‌ای دارد؛ می‌گوید شما بیا در نقشه‌ی من، بیا در آن میدانی که من ترسیم کرده‌ام بازی کن؛ نوع بازی را هم او معین می‌کند. شما بیا این کار را انجام بده تا آن هدفی که برای آن نقشه کشیده شده است، تحقق پیدا بکند. اینکه ما در قضایای منطقه، در قضیه‌ی سوریه، در قضایای شبیه سوریه حاضر نشدیم در ائتلاف به اصطلاح آمریکایی وارد بشویم - با اینکه بارها گفتند، تکرار کردند، خواستند - علت این است. آن‌ها یک نقشه‌ای دارند، یک هدف‌هایی را ترسیم کرده‌اند، مایلند به آن هدف‌ها برسند و البته مایلند که از قدرت و نیرو و نفوذ هر کشوری استفاده کنند، از جمله جمهوری اسلامی؛ اگر جمهوری اسلامی اینجا خام بشود، وارد بازی آن‌ها بشود، معنایش این است که جدول کاری آن‌ها را پُر کرده است؛ معنایش این است که نقشه‌ی آن‌ها را کامل کرده است. این خلاف استقلال است؛ این به‌ظاهر چیزی نیست که دولتی یا کسی بیاید بر کشور حکومت بکند که بگوییم استقلال کشور از بین رفت اما ضد استقلال سیاسی است.

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی این‌ها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این مفصّل صحبت کردم؛ سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست‌انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه‌ی مسائل گوناگون را شامل می‌شود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار می‌کند؛ همین مسئله‌ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، این‌ها همه

ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیونتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور است، این‌ها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه‌ی فرهنگی دشمن است.

و استقلال اقتصادی - به‌طور خلاصه - هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است. ... اقتصاد جامعه‌ی جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه‌ی جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابداً. اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه‌ی دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه‌ی دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه‌ی جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. در تحریم هم مقصود آن‌ها یک هدف اقتصادی بود؛ تحریم هم که کردند ما را، خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که این تحریم برای فلج کردن اقتصاد ایران است. حالا مذاکرات هسته‌ای هم که انجام گرفته است، به یک نتایجی منتهی شده است، اینجا هم باز هدفشان اقتصادی است؛ یعنی از جمله‌ی اهدافشان اقتصاد است؛ یعنی بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سردمدار آن هم آمریکا است.

استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید؛ همه‌ی تصمیم‌های بزرگ اقتصادی باید در ضمن اقتصاد مقاومتی تعریف بشود. فرض کنید ما با فلان کشور قرارداد معامله‌ی بازرگانی یا صنعتی می‌بندیم؛ باید معلوم بشود که این در کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد. اینکه ما خیال کنیم رونق اقتصاد کشور صرفاً با سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌شود، خطا است. سرمایه‌گذاری خارجی البته چیز خوبی است اما این یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را

پر می‌کند. مهم‌تر از سرمایه‌گذاری خارجی، فعال کردن ظرفیت‌های درونی و داخلی است. ما ظرفیت‌های فعال نشده‌ی فراوانی داریم که این‌ها را بایستی فعال کنیم؛ این مهم‌تر است. آن هم البته لازم است در کنار این وجود داشته باشد، اما اینکه ما همه چیز را موکول کنیم به اینکه خارجی‌ها بیایند اینجا سرمایه‌گذاری کنند، نه. گاهی گفته می‌شود که فناوری‌های نو را می‌آورند؛ خیلی خوب، عیبی ندارد؛ موافقیم که فناوری نو را بیاورند؛ [البته] اگر بیاورند! اگر هم نیاورند، من گفتم که این جوانان ما که در زمینه‌ی نانو پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کرده‌اند، در زمینه‌ی ساخت‌های فناوری پیچیده پیشرفت کرده‌اند، در بسیاری از زمینه‌ها جزو پنج، شش، ده کشور اول دنیا قرار گرفته‌اند، این‌ها نمی‌توانند چاه‌های نفت ما را به تولید بهتر برسانند؟ یا پالایشگاه‌های ما را اصلاح کنند؟ یا فرض بفرمایید که بخش‌های دیگری را که مورد نیاز ما است که محتاج فناوری جدید خارجی هستیم [درست کنند]؟ البته اگر این فناوری در معاملات ما با خارجی‌ها منتقل بشود، ما با این موافقیم و مخالفتی نداریم.

توجه بکنید! امروز در دنیا تحلیلگران حسّاس مسائل اقتصادی و سیاسی بر روی اقتصاد مقاومتی کشور ما شرط‌بندی می‌کنند؛ این قدر مهم است، این قدر حسّاس است. بر روی اینکه آیا این اقتصاد مقاومتی که ایران مطرح کرده است، به نتیجه می‌رسد یا نمی‌رسد، تحلیلگران بحث می‌کنند، شرط‌بندی می‌کنند! این قدر این اهمّیت دارد. بنابراین «استقلال» به این معنا است. این شاخص سوم بود که عرض کردیم.

**شاخص چهارم: حسّاسیت در برابر دشمن.** دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حسّاسیت داشته باشیم. آن کسانی که در دوران دفاع مقدّس در جبهه بودند می‌دانند که آنجا کسانی در قرارگاه‌ها بودند که به وسیله‌ی عوامل خودشان هر حرکت کوچک دشمن را دنبال می‌کردند، رویش حسّاس می‌شدند: فرض بفرمایید امروز دشمن این جابه‌جایی را انجام داده است؛ این برای چیست، چرا انجام داده است؛ علت‌یابی می‌کردند. حسّاس در مقابل حرکات دشمن. دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرف‌های او، اظهارات او حسّاس باشیم؛ و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حسّاسیت در مقابل دشمن است.

خب، نقطه‌ی مقابل این حساسیت چیست؟ نقطه‌ی مقابل یکی این است که بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند «آقا، شما دچار توهمید؛ توهم توطئه». خود این مطرح کردن توهم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیتها را کم کنند [می‌گویند]: «آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟» واضح‌ترین چیزها را انکار می‌کنند. می‌گوییم آمریکا دشمن انقلاب است، ذات نظام سلطه اقتضا می‌کند که با نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی دشمن باشد؛ منافعشان ۱۸۰ درجه با یکدیگر اختلاف دارد. نظام سلطه اهل خیانت است، اهل جنگ‌افروزی است، اهل ایجاد و سازماندهی گروه‌های تروریست است، اهل سرکوب کردن گروه‌های آزادی‌خواه است، اهل فشار آوردن بر مظلومین - مثل فلسطین و امثال فلسطین - است؛ این طبیعت نظام سلطه است. شما الآن ببینید آمریکا و انگلیس، قریب صد سال است که دارند بر مردم فلسطین فشار می‌آورند - چه قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، چه بعد از آن تا امروز - دارند فشار می‌آورند روی فلسطینی‌ها. خب این، حرکت نظام سلطه است؛ اسلام که نمی‌تواند در مقابل این ساکت بماند؛ نظام اسلامی که نمی‌تواند ببیند و بی‌تفاوت بماند. نظام سلطه مستقیماً به کشور بمباران کننده‌ی مردم یمن کمک می‌کند - آمریکا صریحاً، مستقیماً کمک می‌کند به بمباران یمن - بمباران کجا؟ بمباران جبهه‌های نبرد؟ نه، بمباران بیمارستان، بمباران بازار، بمباران مدرسه، بمباران میدان عمومی مردم؛ آمریکا کمک می‌کند. خب، نظام اسلامی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. این‌ها باهمدیگر دشمن‌اند؛ در ذات خود باهم مخالف‌اند. چطور می‌شود منکر این دشمنی شد؟ آمریکا بیست‌وهشت مرداد را راه انداخت و حکومت ملی را سرتگون کرد؛ آمریکا از اول انقلاب تا امروز دارد با ما دشمنی می‌کند؛ آمریکا در زمان طاغوت، ساواک را به راه انداخت که مایه‌ی شکنجه‌ی مردم و مبارزان [بود]؛ آمریکا در جنگ هشت‌ساله به دشمن ما حداکثر کمک ممکن را کرد؛ آمریکا هواپیمای مسافربری ما را سرتگون کرد؛ آمریکا سکوی نفتی ما را زد؛ آمریکا ما را تحریم کرد؛ این‌ها دشمنی نیست؟

هر فردی و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی‌اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر جریان‌های اسلامی، به خاطر مصلحت‌اندیشی، به خاطر عقل سیاسی - اسمش را می‌گذارند

عقل - به خاطر تاکتیک که می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است، با آمریکایی‌ها رفیق شدند، به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند، سیلی‌اش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل می‌کنند. هرکسی با نام اسلام در جهت اسلام حرکت می‌کند، اگر به آمریکا اعتماد بکند، خطای بزرگی مرتکب شده. ما البته دشمن‌های ریزودرشت زیادی داریم؛ دشمن‌های کوچک هم داریم، دشمن‌های حقیر هم داریم اما عمده‌ی دشمنی‌ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث - انگلیس واقعاً خبیث؛ هم در گذشته، از دوران اوایل رژیم طاغوت تا دوران انقلاب، [هم] بعد از دوران شروع انقلاب و پیروزی انقلاب تا امروز، همواره انگلیس با ما دشمنی کرده است؛ حالا هم به مناسبت سالگرد امام، دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس علیه امام، به اصطلاح سند منتشر می‌کند؛ سند منتشر می‌کند علیه امام بزرگوار، امام پاکیزه و مطهر! سند را از کجا آورده‌اند؟ از مدارک آمریکایی! خب، آمریکایی که هواپیمای مسافری را با قریب سیصد نفر سرنگون می‌کند، از جعل سند ابائی دارد؟ دشمنی انگلیس‌ها این‌جوری است - و [از سوی] رژیم منحوس و سرطانی صهیونیستی است؛ این‌ها دشمن‌های اصلی‌اند. این دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه‌ی اقتصادی هم به ما می‌دهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ مثل این است که دشمنی بیاید به انسان یک دارویی را بدهد و بگوید آقا، این دارو را بخور برای فلان بیماری؛ شما احتیاط می‌کنید؛ احتمال دارد در داخل این دارو زهر گذاشته باشد. نسخه‌ی سیاسی و نسخه‌ی اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط مورد توجه قرار بگیرد؛ حساسیت در مقابل دشمن این است. طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، و عرض کردیم که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است. این هم شاخص چهارم.

**شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی؛** که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است. یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ *قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ*؛ خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمان‌هایی که عرض کردیم، آرمان‌های اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک

محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمان‌ها پایند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، این‌ها همه مطالبات اسلامی است، اسلام این‌ها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما می‌گوید: *أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ*؛ عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [می‌گوید]: *الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا*؛ این‌ها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرف‌ها فرامی‌خوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلانی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگر چنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند.»





با این روحیه‌ی تدین و انقلابیگری است که میشود این راه اجماعه اسلامی‌آرا پیش رفت؛ سنگلاخ هم باشد، میشود پیش رفت، مانع هم باشد، از روی آن مانع میشود پرید؛ به شرط اینکه روحیه‌ی انقلابی و تدین و پایبندی به تعهد دینی و انقلابی وجود داشته باشد.

مقام معظم رهبری ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

